

حمام باغ، هندسی‌ترین کوچه در مشهد قدیم

رضا سلیمان‌نوری| نبود یک نظام مهندسی واحد و پذیرفته‌شده در معماری کوچه‌ها و خیابان‌های قدیمی، یکی از ضعف‌های همیشگی در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران و البته مشهد است. حالا در این میان، اگر کوچه‌ای را در یکی از بافت‌های قدیمی کشور پیدا کردید که اصول اولیه مهندسی در آن رعایت شده است و مسیر آن مستقیم، بدون فرورفتگی و برآمدگی است و در اصطلاح خودمانی، کج‌ومعوج نیست، باید به‌دیده استثنایه آن نگاه کنید، چه برسد به اینکه مسیرهای فرعی‌اش هم منظم و برپایه اصول مهندسی ساخته شده باشد؛ اینجاست که دیگر در اصطلاح خودمانی، نور علی نور می‌شود و باید آن را کوچه‌ای خاص دانست؛ خاص همچون کوچه حمام باغ، مشهد که هرچند این روزها دیگر نه حمامی دارد نه باغی، هنوز نظم معماری خود را چه در مسیر اصلی و چه در فرعی‌های متعددش) حفظ کرده است و به همین دلیل، هندسی‌سازترین کوچه بافت قدیم مشهد محسوب می‌شود.



کوچه بختیاری ها که برای سه نسل روحانی بوده‌اند

کوچه حمام باغ در دوره قاجار

نامی که حداقل از ۱۵۰سال پیش، باقی مانده است کوچه «حمام باغ» از معدود کوچه‌های باقی مانده از بافت کهن مشهد است که توانسته نام خود را حداقل از ۱۵۰ سال پیش حفظ کند، البته دو دهه است که بر تابلوی ورودی این کوچه(از سمت خیابان شهید محسن کاشانی، نام «شهید قائمی» ثبت شده است ولی مشهدی‌های قدیمی همچنان، آن را «حمام باغ» می‌دانند، نامی که در نقشه‌های عهدناصری از مشهد، وجود داشته است. دلیل نام گذاری این محدوده به حمام باغ را هم باید در دو چیز دانست، نخست وجود حمامی که در نقشه قاجاری دالمج هم دیده می‌شود و دوم، وجود باغ فراوان در این محدوده است، آن چنان که حمام در دل باغ قرار داشته است.

موقعیت حمام باغ در نقشه قاجاری دالمج بنا بر آنچه «جولیس دالمج» هنگام ترسیم نقشه مشهد مشخص کرده است، کوچه حمام باغ در سال ۱۲۴۸ خورشیدی (نیمه‌های حکومت قاجار بر ایران) مسیری بوده که تا محله کوچک مروی‌ها و محدوده تهپل محله را از کهن محله نوغان جدا می کرده است. به عبارت دیگر، محدوده شرقی این کوچه-که انشعابی از کوچه قدیمی نوغان ۴ باراسته تهپل محله محسوب می‌شد-بیشتر رنگ‌وبوی محله نوغان را داشته است و فضای سکونت‌ی بخش غربی آن نیز(به‌ویژه در انتهای فرعی‌های این محدوده)از منظر ساکنانش، وضعیتی بسیار نزدیک به تهپل محله و محله مروی‌ها داشته است.

بر اساس اطلاعات همین نقشه، کوچه حمام باغ مسیری شرقی به غربی بوده که از راسته کوچه تهپل محله منشعب می‌شده و در دل باغ‌های پشت دیوار شهر به پایان می‌رسیده است. این کوچه در آن دوران، دارای پنج فرعی جنوبی و چهار فرعی شرقی

- حمام باغ در جانب غربی کوچه

کوچه حمام باغ در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، تغییرات بسیاری را به خود دیده است اما همان نظم کامل هندسی که بین کوچه اصلی و فرعی‌های آن وجود داشته، حفظ شده است، البته تغییرات حاصل از اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر در بیست‌ساله اخیر، موجب شده مسیر این کوچه از شمالی جنوبی به جنوبی شمالی تغییر کند و بخش مهمی از بناهای کوچه(حدافاصل کوچه نوغان ۴ تا مسجد عرب‌ها) هم به‌طور کامل تخریب شود.

اکنون در ورودی کوچه(از سمت خیابان شهید محسن کاشانی) تابلوی کاشانی ۸ یا «شهید قاسم قائمی» نصب است. تمام پلاک‌های حاشیه کوچه(از ابتدای کوچه تا قائمی ۷ که مسجد فاطمیه هراتی نبش آن قرار دارد)، نیز به خانه‌هایی با یک یا دو دربند تجاری اختصاص پیدا کرده است.

همچنین در داخل قائمی ۷، دبستان دخترانه «احمد سزاواررحمت» قرار دارد که تنها فضای آموزشی کوچه حمام باغ است.
حدافاصل کوچه قائمی ۷ تا قائمی ۱۱ هم که به کوچه «سردار» مشهور است، چند پلاک مسکونی، مغازه و یک هتل چندطبقه خودنمایی می‌کند که بلندترین بنای فعلی کوچه به‌شمار می‌رود. نبش کوچه سردار، مغازه‌ای خاص و بدون مشابه در مشهد، دیده می‌شود که محل

خارج شدن کوچه از حالت بن‌بست
مهم‌ترین تغییر کوچه حمام باغ در دوران پهلوی، خارج شدن آن از حالت بن‌بست است که احتمالاً بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۳ خورشیدی رخ داده است، زیرا نقشه ۱۳۱۰ مشهد، این کوچه را هنوز بن‌بست نشان می‌دهد که به زمین‌های رهاشده در پای باروی شهر، ختم می‌شده است.

تغییر در کوچه حمام باغ
این وضعیت در سال ۱۳۳۳ دستخوش تغییر شده، بر تعداد فرعی‌های آن افزوده می‌شود، کوچه حمام باغ در این سال، نه فرعی شرقی و پنج فرعی غربی دارد که در این میان، کوچه‌های «حاج تقی»، «بخدان»، «حمام گلشن» و «حاج عبدا…» به‌صورت مستقیم و کوچه پشت بخدان به‌صورت غیرمستقیم به نوغان ختم می‌شدند. از پنج فرعی غربی نیز سه فرعی «شکریایی»، «عرب» و «حاجی باقر» به راسته کوچه

کوچه حمام باغ در دوران پهلوی

دروازه در یادل (بعدها به کوچه تکیه علی اکبری‌ها معروف شد)اکنون بولوار رضوان نام دارد) می‌رسیده‌اند. از دیگر تغییرات مهم ایجادشده در این دوره، از بین رفتن محوطه منجلاب رویه‌روی حمام باغ است، البته این محوطه هیچ‌گاه کاربرد مسکونی پیدا نمی‌کند و برای سال‌ها با همان کاربری سابق خود باقی می‌ماند. تأسیس مسجد «فاطمیه هراتی»، آخرین تحول مهمی است که کوچه حمام باغ در دوره پهلوی می‌بیند، این مسجد در اصل زمینی بوده است متعلق به پیرزنی اهل هرات یزد که یک شب(به دلیل خوابی که می‌بیند) تصمیم می‌گیرد مسجدی در این محدوده بنا کند. چنین می‌شود و مسجد در سال ۱۳۷۲ قمری(برابر با ۱۳۳۱ خورشیدی) سقف و ستون می‌خورد و بعدها «فاطمیه» نام می‌گیرد. اکنون مسجد با بنای بازسازی شده و گسترش پیدا کرده، همچنان ادامه حیات می‌دهد.



موقعیت کوچه حمام باغ بر روی نقشه قاجاری دالمج

یادی از بزرگان کوچه حمام باغ

معروف‌ترین خاندان ساکن کوچه حمام باغ، خانواده سرشناس «سزاواررحمت» هستند که نشانشان در بسیاری از امور خیریه شهر دیده می‌شود. دیگر خانواده مهم ساکن در این کوچه، خاندان «نوشیروانی» است که از ملاکان قدیم شهر بوده‌اند و هنوز تعداد فراوانی از پلاک‌های کوچه حمام باغ به نام آنان ثبت است. پس از این دو، خانواده «اعتماد» را که صاحب تنها شیرینی‌پزی این کوچه هستند، نیز باید در شمار خاندان‌های مهم کوچه آورد. در نهایت، خانواده روحانی آقای بختیاری را که سه نسل است روحانی هستند، باید از چهره‌های برجسته ساکن در کوچه حمام باغ دانست.



مسجد فاطمه هراتی



آب خوری داخل دیوار انبش فرعی دوم جنوبی کوچه حمام باغ

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت(قسمت نودودوم)

مشهد ۱۵۲سال پیش، به گزارش «شیندلر»(بخش چهارم و آخر)

مرضیه ترابی| گفتیم که «آرتور هوتوم شیندلر»، مهندس و نظامی آلمانی اصلی بود که برای انگلیسی‌ها کار می‌کرد و در شبکه تلگراف ایران هم مسئولیت‌هایی داشت. توضیح دادیم که گزارش شیندلر از مشهد ۱۵۲ سال قبل، گزارشی نامنظم و شلخته است، اما گاه در محتوای آن نکاتی پیدا می‌شود که نظر خواننده و پژوهشگر را جلب می‌کند، مانند ماجرای ماهی‌های قزل‌الا در چشمه گیل‌اس که در قسمت قبل مشهدیات توضیح دادیم. روایت شیندلر از فضای فرهنگی و اجتماعی مشهد هم، کمی بهتر از بخش‌های دیگر گزارش اوست و در آن، جزئیاتی از چالش‌های میان مسئولان شهر وجود دارد که در ادامه، ضمن بررسی دیگر نکات ثبت‌شده توسط شیندلر، این جزئیات را هم بررسی خواهیم کرد.

- کاروان‌سرای «کومبرگ» چه صیغه‌ای است؟

شیندلر در بررسی زیرساخت‌های شهری و ابنیه عمومی مشهد، به‌سراغ کاروان‌سراها هم رفته است. کاروان‌سراها در مشهد قدیم، مانند دیگر شهرهای ایران، فقط نقش اقامتگاه مسافران را بازی نمی‌کردند، این‌ا مکان، افزون بر محل دادوستد بازرگانان، به‌عنوان انبار کالا هم کاربری داشتند. شیندلر تعداد کاروان‌سراهای مشهد را در زمان ورودش، پانزده کاروان‌سرا نقل می‌کند: «[مشهد] پانزده کاروان‌سرا دارد: کاشانی، درود، قزوین، سالار، رضاقلی میرزا، کومبرگ، زنبورکچی، بهادرخان، امام‌جمعه، گندم‌آباد، زغال، سلطان، میرمعین، دارالزوار، شاه‌وردی‌خان و این دوتای آخری در سنه ۱۹۹۱ ساخته شدند.» در سیاهه مربوط به نام کاروان‌سراهای مشهد، به نقل از شیندلر، یکی دو اسم عجیب و غریب می‌بینیم که به نظر اشتباه می‌آیند؛ به همین دلیل خوب است این اسامی را با نام‌های ثبت‌شده در سفرنامه خانیکوف که از نظر دقت بر گزارش شیندلر برتری دارد، مقایسه کنیم. براساس گزارش خانیکوف که حدود یک دهه قبل از شیندلر تنظیم شده است نیز، مشهد پانزده کاروان‌سرای فعال دارد: کاشانی‌ها، درودی‌ها، قزوینی‌ها، سالار، رضاقلی میرزا، گمرک، زنبورکچی، بدلخان، امام‌جمعه، گندم‌آباد، زغال(زغال فروش‌ها)، میرمعین‌رضا، دارالزوار، شاه‌وردی‌خان و سلطان. درمیان کاروان‌سراهایی که شیندلر نام می‌برد، نام «کومبرگ» و «بهادرخان» در متن خانیکوف قید نشده است و ظاهراً این دو به ترتیب، معادل نام کاروان‌سرای «گمرک» و «بادلخان» هستند. نکته جالب اینجاست که آقای قدرتا… روشنی زعفرانلو نیز، در نسخه چاپ‌شده سال ۱۳۵۱ این سفرنامه که مآخذ نوشتار ماست، «کومبرگ» را معادل «کومبوک» و «بهادرخان» را معادل «بدلخان» آورده است که به نظر اشتباه است. نگارنده این سطور، چاپ‌های بعدی این کتاب را ندیده، اما امیدوار است که این اشتباه، تصحیح شده باشد.

- شرایط سیاسی و امنیتی مشهد

گزارش شیندلر درباره اوضاع سیاسی و امنیتی مشهد نسبتاً جامع‌تر است. او بعد از صحبت درباره خندقی شهر و تمجید از وضعیت آن، به موضوع ناامنی‌های اطراف شهر به‌دلیل حمله ترکمانان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «دفعه اول که در مشهد بودم، حاکم معزول شده بود. ترکمانان (که(طایفه‌ای از ترکمانان) تا چهارفرسخی شهر آمده، غارت کردند، هفتاد آدم برده بودند ولی در مشهد چند نفر سواره زرنگ از ایل جمشیدی و ایل تیموری بودند و میرزاسعیدخان متولی باشی، آن‌ها را عقب ترکمانان فرستاده، هفتاد نفری که ترکمانان گرفته بودند، آزاد کردند و خیلی از ترکمان[ها] کشتند». جزئیاتی که شیندلر مطرح می‌کند، می‌تواند مبین این مطلب باشد که حملات ترکمانان به مناطق اطراف مشهد و حتی خراسان، ارتباط مستقیمی با شرایط سیاسی این شهر و استقرار حاکمان داشته است، به این معنا که در هنگام حضور نداشتن حاکم منصوب حکومت مرکزی و احیاناً بی‌نظمی اوضاع، آن‌ها فرصت را غنیمت می‌شمردند و برای غارتگری به مناطق مختلف خراسان، سرازیر می‌شدند. شاید جالب باشد که بدانید این مشکلات در دوره‌های بعدی نیز ادامه داشت و پیش از انقلاب مشروطه، وضع به مرحله‌ای رسید که حاکمان منصوب شاه قاجار نیز، با ترکمانان هم‌داستان می‌شدند و با یکدیگر به غارت مال و ناموس رعیت می‌پرداختند. روایت تلخ فروش دختران قوچانی، بخشی از همین سناریوی دردآور است. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، نام بردن از سواران ایل‌های جمشیدی و تیموری است. این دو ایل، از اعضای اتحادیه معروف «چهار اویماق» بودند که در قرن دهم و یازدهم در خراسان به‌وجود آمد، اعضای ایل‌ها، لزوماً از نظر تبار به یکدیگر ارتباطی نداشتند، اما اقتضای زمانه باعث می‌شد در کنار یکدیگر قرار بگیرند. روایت شیندلر نشان می‌دهد که با وجود تأسیس ارتش مدرن در زمان فتحعلی‌شاه و با مدیریت عباس میرزا نایب السلطنه، شیوه سنتی و کارآمد استفاده از ایلات برای ایجاد قشون موقت، همچنان اعتبار داشت و سران ایلات، در مقابل حفظ موقعیت چراگاه‌ها و محدوده تیول خود، متعهد به حمایت نظامی از حکومت بودند، همچنان که ایل‌های تیموری و جمشیدی، در غائله مورد اشاره شیندلر، وارد صحنه شدند و نقش مؤثری در دفع هجمه ترکمانان ایفا کردند. این وضعیت ظاهراً حتی بعد از پیروزی انقلاب مشروطه و در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی هم برقرار بود و اصولاً حفاظت از سرحدات را ایلات و عشایر برعهده داشتند.

- رقابت‌های سیاسی در مشهد

یکی دیگر از نکاتی که شیندلر به آن اشاره می‌کند، موضوع رقابت‌های سیاسی در مشهد ۱۵۲ سال قبل است. روایت او در این زمینه، برخلاف دیگر روایاتش، کمتر دچار اشکال و حاشیه است، احتمالاً به این دلیل که خود او هم در مشهد، بخشی از اجزای اداری و حکومتی به حساب می‌آمد و بیشتر از امور باخبر بود. شیندلر می‌نویسد، «دفعه دوم که در مشهد بودم، نواب والا رکن الدوله تشریف داشتند و هر وقتی که در حضور شاهزاده بودم، او مشغول فوج سرباز و توپخانه و سواره بود. هر روز سواره را سان می‌دید و اسبانشان را داغ می‌کرد(داغ کردن یا علامت گذاری حیوانات، به‌نوعی مانند نصب پلاک خودرو در روزگار مابود، البته اینکه هر روز بخواهند اسب‌ها را داغ کنند، منطق چندانی ندارد و به‌نظر درست نیست. شاید منظور این است که از اسب‌ها بازدید و آن‌ها را شمارش می‌کرد)، برای نظم خراسان بسیار کار می‌کرد، ولی از قراری که از اهالی مشهد شنیدم، زیاد گوش به حاجی مستشارالملک می‌دهد و اهل مشهد چندان دوستی با حاجی مستشارالملک ندارند. می‌گفتند که جناب ظهیرالدوله حاکم بسیار خوبی بود، اما مستشارالملک نگذاشت کار خوب بکند. نمی‌دانم راست است یا دروغ». محمدتقی میرزا رکن الدوله که شیندلر به نام وی اشاره کرده است، فرزند سوم محمدشاه قاجار بود و سه‌بار به حکومت خراسان منصوب شد که بار اول، سال ۱۲۵۵ خورشیدی بود. روایت شیندلر، خبر از نزاع‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی در مشهد ۱۵۲ سال قبل می‌دهد، موضوعی که البته دور از ذهن نیست. اما ظاهراً، این سیاستمداران، با وجود حکومت استبدادی ناصرالدین‌شاه، برای بقای خود و آسیب زدن به رقبا، گاه رعیت را هم علیه یکدیگر می‌شورانند و از این ظرفیت در فضای سیاسی دوران خود بهره می‌برند.



۳۳شنبه
۲۴ مرداد ۱۴۰۲
۲۸ شهریور ۱۴۴۵
شماره ۲۰۱۲

۱۵



تاریخ و هویت

نمایی از کوچه حمام باغ، عکس: سعید گل‌الزوار